

متن پرسش

سلام آقای طاهرزاده: وقت بخیر در پاسخ به سوال ۲۵۱۶۰، از مولانا طرفداری کردید و به فتوای آیت الله مکارم در خصوص ساخت فیلم مولانا خرده گرفته اید. شخصیت های برجسته بسیاری در طول تاریخ به مولانا ایراد گرفته اند. از جمله شیخ رجبعلی خیاط، آیت الله بروجردی (ره). حتی ملا احمد نراقی هم در شعری، از ایشان انتقاد کرده است: عقل، این است ای رفیق معنوی هین بگو این با جناب مولوی مولوی، گیرم که فهمد نیک و زشت راه دوزخ داند و راه بهشت چون کند؟ بیچاره نفسش سرکش است افکند خود را، اگر چه آتش است این روا، آن ناروا، داند درست لیک پایش در عمل لنگ است و سست فقه و حکمت خواند، جهلش کم نشد عالم و دانا شد و آدم نشد! علم چپو بود؟ فهم راه نیک و بد عقل چپو بود؟ اختیار نفس خود چون نداری نفس خود در اختیار ز امتیاز نیک و بد، او را چه کار؟ کی کند دانستن سر کنگبین دفع صفرا، رای نگار نازنین؟! گر شناسی خوب، حلوای شکر کی شود کام تو شیرین، ای پسر؟! در کتاب کیمیای محبت که در مورد احوالات و زندگی نامه شیخ رجبعلی خیاط هست، اینطور اومده که: «جناب شیخ خیاط، در مورد مولوی حرف داشت و می فرمود: «او در برزخ گرفتار است.» یکی از شاگردان شیخ از او نقل می کند که فرمود: خواستم کتاب مثنوی را بخوانم، در عالم معنا شخصی را در جلو و دیگری را در پشت سر خود دیدم که یکی به دیگری می گفت: «نگذارید بخوابد» باشنیدن این سخن پیش خود فکر کردم که چرا هنگام قرائت قرآن نمی گویند: نگذارید بخوابد؟! شبیه این مکاشفه برای حضرت آیت الله بروجردی (ره) اتفاق افتاده است. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، یکی از مراجع تقلید معاصر، در دیداری که در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ هجری شمسی از مرکز تحقیقات موسسه ی فرهنگی دارالحدیث در قم داشتند، فرمودند: از آیت الله بروجردی شنیدم که فرمودند: «در ایامی که در بروجرد بودم، گاه الهاماتی از غیب داشتم، یک وقت مشغول مطالعه ی کتاب مثنوی (مولوی) بودم که ناگاه صدایی شنیدم که: این شخص راه را گم کرده است، به محض شنیدن این سخن، کتاب را بستم و زمین گذاشتم و پس از آن دیگر مطالعه نکردم، همان وقت کتاب «عده الداعی» کنارم بود مشغول مطالعه ی آن شدم.» (این مکاشفه را حضرت آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجانی نیز از قول افراد بسیاری از آیت الله بروجردی، برای نگارنده نقل کرده اند.)

نگارنده از آیت الله صافی پرسید: بعضی از ایشان نقل کرده اند که فرموده: «پس از شنیدن آن صدا، برای اطمینان خاطر از این که الهام غیبی است، از خانه بیرون آمدم و به کوچه نگاه کردم هیچ کس در کوچه نبود.» حال برای من جای تعجب که چطور با وجود اینکه چندین شخصیت برجسته بواسطه مکاشفه، این چنین بر مولانا خرده گیری می کنند، شما اصرار دارید که از مولانا دفاع کنید. آقای

طاهرزاده! از شما که اهل علم و مطالعه هستید، بعیده! به نظر من، اینکه شما از اشعار مولوی در آثارتون استفاده کنید، هیچ اشکالی نداره، ولی اینکه از شخصیت عرفانی ایشان دفاع می کنید، واقعا تعجب کردم. با توجه به نظرات رجبعلی خیاط، آیت الله بروجردی و ملا احمد نراقی، آیا باز هم جای دفاع از مولانا باقی می ماند؟ اگر پاسختون مثبته، خواهشا بیان کنید. تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جریان آنچه فرموده اید هستم. ولی امثال آیت الله قاضی را در شناخت عرفان و عرفا صاحب نظر می دانم. موفق باشید